

## تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر اشتغال در اقتصاد ایران

نوع مقاله: پژوهشی

سید نظام الدین مکیان<sup>۱</sup>

مصطفی الراجی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵

### چکیده

تسهیلات قرض‌الحسنه یکی از مهم‌ترین اعتبارات بانکداری اسلامی به شمار می‌رود که می‌تواند بر اشتغال تأثیر بگذارد. با توجه به این موضوع، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر اشتغال در استان‌های ایران می‌پردازد. در این پژوهش، تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه که خارج از طبقه‌بندی عقود مبادله‌ای و مشارکتی در نظام بانکداری اسلامی می‌باشد بر اشتغال مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، از مدل داده‌های تابلویی شامل استان‌های ایران در سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۴ استفاده گردیده است. نتایج برآورده مدل به روش حداقل مربعات تعیین‌یافته عملی نشان می‌دهد که و یافته‌های تحقیق بیان می‌کند که تسهیلات قرض‌الحسنه، تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌فیزیکی و بهره‌وری نیروی کار تأثیر مثبت و معنی‌داری بر اشتغال استان‌ها دارد. علاوه بر این، مشاهده می‌شود که بیشترین تأثیر مربوط به تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌فیزیکی است و اشتغال بیشتر از آنکه تابع تسهیلات قرض‌الحسنه و بهره‌وری نیروی کار باشد، تحت تأثیر شرایط اقتصاد کلان قرار دارد.

کلمات کلیدی: تسهیلات قرض‌الحسنه، بانکداری اسلامی، اشتغال، استان‌های ایران

طبقه‌بندی JEL: R11, E24, C33

<sup>۱</sup> دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)

nmakiyan@yazd.ac.ir

alrajimostafa@gmail.com

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد اقتصاد، گروه اقتصاد دانشگاه یزد

**مقدمه**

مکتب اقتصادی اسلام با تحریم ربا، قرضالحسنه را به عنوان بهترین شیوه جایگزین برای ربا جهت استفاده از متقاضیانی که توانایی بازپرداخت سود را ندارد، در نظر گرفته است. در این شیوه، امکان استفاده از امکانات مالی برای استفاده‌کنندگان از قرضالحسنه که عمدتاً گروه‌های با درآمد کم هستند، فراهم می‌گردد. بنابراین، با رواج و گسترش قرضالحسنه نابرابری‌های درآمدی از بین می‌رود. با توجه به این موضوع، ادعا می‌شود که نظام اقتصادی اسلام، قرضالحسنه را به عنوان یکی از ابزارها و شیوه‌های مؤثر برای کاهش نابرابری در توزیع درآمد معرفی نموده است که با برقراری جریان پولی از طبقه‌های ثروتمند به طبقه‌های فقری و ایجاد زمینه‌های تغییر الگوی تولید، افزایش اشتغال و تأمین نیازهای ضروری، در تثبیت درآمد بین فقرا و عدم تمرکز ثروت نقش مؤثری داشته باشد (هادوی‌نیا و عرب‌بافرانی، ۱۳۹۵).

در حال حاضر، اقتصاد ایران با مشکل جذب نیروی انسانی آماده به کار و پدیده بیکاری روبرو است که علاوه بر اتلاف منابع انسانی، به خصوص نیروی انسانی تحصیل‌کرده، مسائل و دشواری‌های متعدد اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارد. بر همین اساس، کاهش نرخ بیکاری به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف در مسیر دست‌یابی به رشد و توسعه اقتصادی، اهمیت خاصی دارد. بدیهی است که مهم‌ترین عامل کاهش بیکاری، ایجاد تقاضا برای نیروی کار به واسطه سرمایه‌گذاری‌های مولد و اشتغال‌زا و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید است. در این بین، بانکداری اسلامی با تکیه بر موazین و مقررات اسلامی می‌تواند نقش بهسزایی در تأمین مالی پروژه‌های جدید اقتصادی و کارآفرینی داشته باشد. بانکداری اسلامی با اصرار بر مشارکت در سود و زیان شکل گرفته است و بر سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد تمرکز دارد. در بانکداری اسلامی نیاز مشتریان به طور مستقیم و در قالب تسهیلات اعطایی تأمین می‌شود. توزیع منابع در این نوع از بانکداری نیز به واسطه عقدهای اسلامی صورت می‌گیرد. تأمین مالی از طریق عقدهای اسلامی، با تأثیرگذاری بر متغیرهای کلان اقتصادی همچون سرمایه‌گذاری، به تغییر در سطح تولید و اشتغال می‌انجامد و رشد اقتصادی و بیکاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد (پایاختی اسکوبی و عرب‌مازار، ۱۳۹۵).

با توجه به نقش تسهیلات قرضالحسنه در اشتغال‌زاگی، هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تأثیر تسهیلات قرضالحسنه بر اشتغال در استان‌های ایران است. همچنین و به موازات هدف اصلی، بررسی تأثیر تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌فیزیکی و بهره‌وری نیروی کار بر اشتغال اهداف فرعی تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند. براساس منابع موجود، تحقیق حاضر از نخستین گام‌های تجربی در خصوص بررسی تأثیر تسهیلات قرضالحسنه بر اشتغال محسوب می‌شود. در صورتی که بتوان نشان داد تأثیر تسهیلات قرضالحسنه بر اشتغال در استان‌های ایران مثبت و معنی‌دار است، آنگاه

سیاست‌های حوزه اشتغال نیز با توجه به این موضوع تنظیم خواهد شد تا زمینه کاهش نرخ بیکاری را در استان‌های ایران فراهم آورد. در راستای دستیابی به هدف، بخش‌های بعدی به ترتیب به مبانی نظری، پیشینه تجربی، روش تحقیق، نتایج تحقیق و جمع‌بندی اختصاص دارد.

### ۱. مبانی نظری

کلمه قرض در آیات قرآن کریم و کتاب‌های فقهی و حقوقی به کار رفته است و معنای مشهور، معروف و شایع آن در کتاب‌های لغت، قطع کردن و بریدن است. وام را نیز قرض می‌گویند، چون شخص رابطه مالکیت جزئی از اموال را با خود قطع کرده، به دیگری می‌دهد، به این نیت که عین مال یا بدل آن را در آینده به او بدهد. غالباً پول موضوع قرض به شمار می‌رود. اما، باید توجه داشت که قرارداد قرض الحسن مختص به پول نیست. توجه به تعمیم این قرارداد به اموال دیگر (افزون بر پول) قلمرو عمل این نهاد را افزایش می‌دهد و می‌تواند در موارد لزوم برای نیل به اهداف اقتصادی و اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

قرض الحسن می‌تواند جریان پول را از طبقات ثروتمند به سمت طبقات با درآمد کم سوق دهد و در جهت تثبیت آن در بین فقرا و عدم تمرکز ثروت، نقش مؤثری داشته باشد. قرض الحسن به افراد این امکان را می‌دهد که پس اندازهای کوچک خود را در جهت رفع نیازهای اساسی یکدیگر مورد استفاده قرار دهند. به همین سبب، با اتخاذ چنین روشی، طبقات با درآمد کم امکان استفاده بیشتر از امکانات موجود را پیدا می‌کنند و از فاصله بین غنی و فقیر کاسته می‌شود. با توجه به این موضوع، قرض الحسن در رفع فقر نسبی مؤثر است. به عبارتی، با توجه به اینکه در قرض الحسن، ثروتمدان به افراد با درآمد کم قرض می‌دهند، کاهش فاصله طبقاتی از دو جهت صورت می‌گیرد: ۱- با این اقدام، امکان تصرف اغنية کم می‌شود و روند تشدید فاصله طبقاتی کاهش می‌یابد، ۲- با استفاده از وجود قرض الحسن برای ایجاد امکانات برای طبقات با درآمد کم، از فاصله طبقاتی موجود کاسته می‌شود. در مورد توجیه اقتصادی اثر قرض بر توزیع درآمد، دو نگرش متصور است.

**نگرش خرد:** در نگرش خرد، در صورتی که فرد در ابتدای دوره برای تأمین نیازهای ضروری خود اقدام به دریافت وام نکند، می‌بایست با پس‌انداز، در انتهای دوره نیازهای مصرفی خود را تأمین نماید. به عبارتی، اگر فرد قرض نگیرد، به اندازه یک دوره از مصرف وی کاسته می‌شود، اما اگر قرض بگیرد، قادر است از همان ابتدای دوره مصرف خود را افزایش دهد و در انتهای دوره، بازپرداخت وام را از طریق پس‌انداز انجام دهد. بنابراین و در نگرش خرد، قرض بر زمان مصرف فرد در طول زندگی وی می‌افزاید.

**نگرش کلان:** در نگرش کلان باید به نوع قرض توجه نمود. با توجه به اینکه پس اندازهای قرضالحسنه، از طریق افرادی تشکیل می‌شود که عموماً دارای سطح درآمد یکسانی هستند، انتظار بر آن است که اثر آن بر توزیع درآمد به شکل افقی باشد. در واقع، انتظار اینست که درآمدی که در هر دوره به طبقات با درآمد کم اختصاص می‌یابد، تبدیل به کارهای تولیدی کوچک یا کالای بادوام در همان طبقات شود. بنابراین، قرضالحسنه به عنوان عاملی که می‌تواند در یک برهه از زمان، ظرفیت کسب درآمد خانوارها را تغییر و تا حدودی برابری اقتصادی خانوارها را افزایش دهد، می‌تواند در بهبود توزیع درآمد مؤثر باشد.

#### ۱-۱. تأثیر مستقیم قرضالحسنه بر اشتغال

تحقیقات نشان می‌دهد که بازارهای سرمایه، بهویژه در کشورهای در حال توسعه، به خوبی عمل نمی‌کند و گروههای با درآمد کم که در برابر رویدادهای ناگهانی آسیب‌پذیرتر هستند، کمترین دسترسی را به بازار اعتبارات دارند. همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد که در برخی موارد، اعتبارهای مالی نظیر تأمین سرمایه در گردش فعالان اقتصادی، بهویژه کشاورزان و تولیدکنندگان صنایع دستی، به افزایش سطح تولید و رشد درآمدها کمک می‌کند و می‌تواند به افزایش قدرت بازپرداخت دیون و تأمین مواد اولیه کمک کند (گریفین و مک‌کنلی، ۱۳۷۷).

صندوقهای قرضالحسنه تولیدی در جهت ایجاد اشتغال و افزایش تولید اهمیت بسیار دارند. در واقع، قرضالحسنه می‌تواند سبب استفاده از انگیزه‌های معنوی در جهت افزایش تولید و کاهش بیکاری شود (هادوی‌نیا، ۱۳۷۸). این صندوقها می‌توانند در جهت تأمین سرمایه‌های اولیه تولید و تجارت (فعالیت‌های تولیدی کوچک) و تأمین سرمایه در گردش فعالیت داشته باشند و بر ایجاد و تداوم اشتغال تأثیر بگذارند (هادوی‌نیا و عرب بافرانی، ۱۳۹۵).

#### ۱-۲. تأثیر غیرمستقیم قرضالحسنه بر اشتغال

##### ۱-۲-۱. تأثیر قرضالحسنه بر مصرف

مازاد تقاضا برای کالاهای اساسی (نظیر خوارک، پوشک، مسکن، سوخت) معمولاً به عنوان یکی از پیامدهای عمدۀ توزیع مجدد درآمدها لحاظ می‌شود. این موضوع می‌تواند در خصوص قرضالحسنه نیز صادق باشد. اگر مبلغ پرداخت شده به قرض‌گیرنده در جهت تأمین کالاهای مصرفی هزینه شود، باعث افزایش تقاضا می‌گردد، زیرا این احتمال وجود دارد که قرض‌دهندگان در صورت عدم پرداخت قرضالحسنه، کمتر مصرف می‌کنند و بیشتر به پسانداز می‌پردازند. با توجه به اینکه بخش بیشتر

نیازهای مصرفی قرض‌گیرندگان را کالاهای ضروری تشکیل می‌دهد، انتظار بر آن است که افزایش تقاضا بیشتر در کالاهای ضروری دیده شود. بنابراین، باید این احتمال را لحاظ نمود که قرض‌الحسنه در کوتاه‌مدت موجب افزایش قیمت‌ها شود. البته میزان اولیه این تقاضای اضافی به ترکیب تقاضا بستگی دارد که بر اثر ترکیب درآمدها صورت گرفته است. به عبارتی، برای هر اندازه توزیع درآمد معین، مازاد تقاضا برای کالاهای اساسی با توجه به تفاضل میل نهایی به مصرف کسانی که از توزیع مجدد درآمد منفعت کسب می‌کنند و کسانی که از این موضوع زیان می‌بینند، تغییر خواهد کرد (گریفین و مک‌کنلی، ۱۳۷۷).

نتایج حاصل از گسترش قرض‌الحسنه علاوه بر اینکه باعث تثبیت تقاضا می‌شود، انگیزه سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای ضروری را نیز افزایش می‌دهد و حتی بهدلیل کاهش تقاضای کالاهای لوکس، بسیاری از منابع تولید کالاهای لوکس به سمت تولید کالاهای ضروری هدایت می‌گردد. آثار القایی افزایش تقاضا برای کالاهای ضروری از یک طرف و کاهش تقاضا برای کالاهای لوکس از طرف دیگر، نتایج زیر را به دنبال دارد:

۱- با توجه به اینکه کالاهای ضروری در مقایسه با کالاهای لوکس نسبت کاربری بیشتری دارند و در حالی که کالاهای لوکس بیشتر وارداتی هستند، کالاهای ضروری عمدها در داخل تولید می‌شوند، انتظار می‌رود که با افزایش تولید کالاهای ضروری، اشتغال نیز به صورت معنی‌داری افزایش یابد.

۲- با ادامه روند تولید کالاهای ضروری، الگوی تولید مناسب با نیازها شکل خواهد گرفت.

۳- با صرفه‌جویی بخشی از درآمدهای ارزی که صرف واردات کالاهای لوکس می‌شد، تراز پرداخت‌ها بهبود خواهد یافت.

در چنین شرایطی، تغییر الگوی تولید دارای آثار ثانویه خواهد بود که در جهت برابر سازی توزیع درآمد بین عوامل تولید و تقویت آثار اولیه انتقال درآمد به وسیله قرض‌الحسنه عمل خواهد نمود (هادوی‌نیا، ۱۳۸۰؛ هادوی‌نیا و عرب بافرانی، ۱۳۹۵).

## ۲-۱. تأثیر قرض‌الحسنه بر پس‌انداز

پس‌انداز، تأخیر مصرف از حال به آینده است. پس‌انداز می‌تواند به صورت قراردادی یا تعهدی (نظری اقساط بیمه عمر و سرمایه‌گذاری)، افزایش دارایی‌های نقدی (مانند سپرده‌گذاری در بانک‌ها)، سرمایه‌گذاری مستقیم در لوازم کسب‌وکار و تسویه تعهدات یا پرداخت دیون صورت پذیرد. برای بررسی جایگاه پس‌انداز در رفتار افراد باید به پیش‌بینی‌ها اشاره شود. به بررسی وضعیت آینده در

حال، پیش‌بینی گفته می‌شود. کینز تعادل اقتصادی را از نظر زمان بر مبنای پیش‌بینی استوار کرده است. پیش‌بینی در دو مرحله صورت می‌گیرد.

در مرحله اول، فرد در این مورد تصمیم می‌گیرد که چه مقدار از درآمد خود را برای مصرف حال از دست بدهد. پس از تعیین این مقدار، باقیمانده مصرف از درآمد پسانداز محسوب می‌شود، خواه در آینده بازدهی داشته یا نداشته باشد. سطح درآمد و میل به مصرف نیز در این مرحله نقش تعیین‌کننده دارد. در مرحله دوم، فرد تصمیم می‌گیرد چه مقدار از پسانداز را برای کسب بازدهی احتمالی به سرمایه‌گذاری اختصاص دهد و چه مقدار را نزد خود نگهداری کند. در این مرحله، سود نهایی سرمایه و همچنین، نرخ بهره نقش اساسی دارد. از طرف دیگر، با توجه به اینکه پسانداز قسمتی از درآمد است که خرج نمی‌شود و از جریان درآمدی خارج می‌گردد، یکی از مشکلات مربوط به پسانداز، بازگردانی آن به چرخه درآمدی است. این موضوع از طریق پسانداز منفی کسانی که بیش از درآمد جاری خود خرج یا سرمایه‌گذاری می‌کنند، قابل دستیابی است.

یک فرد مسلمان، پس از کسب درآمد، قسمتی از آن را به منظور رفع نیازهای مصرفی خود مصرف می‌کند. بنابراین و در مرحله اول، تصمیم می‌گیرد که چه مقدار از درآمد خود را به زمان حال اختصاص بدهد. با توجه به اینکه این قسمت از درآمد به آینده منتقل نمی‌شود، پسانداز به شمار نمی‌رود. البته در این مرحله، سطح درآمد و همچنین، میل نهایی به مصرف که ناشی از برخی عوامل برونا زا نظیر سلیقه است، مؤثر هستند. در این مرحله، مقدار انفاقی که ناشی از انگیزه‌های معنوی وی باشد، مطرح است. در مرحله دوم، فرد مسلمان باید در خصوص تقسیم باقیمانده درآمد که به آینده منتقل می‌شود، تصمیم بگیرد. در واقع، با توجه به عدم مشروعیت دریافت بهره و عدم مطلوبیت عدم بکارگیری درآمد در اقتصاد، دو حالت متصور است:

۱- جهت کسب بازدهی معنوی، قرض بدهد.

۲- جهت کسب سود مشروع، سرمایه‌گذاری کند.

سهم قرض از درآمد به پیش‌بینی فرد از نرخ سود آینده و همچنین، سلیقه وی که ناشی از کیفیت انگیزه‌های معنوی است، بستگی دارد. باید توجه داشت که از دیدگاه فرد مسلمان، قرض بازدهی معنوی دارد و یک فعالیت تولیدی معنوی محسوب می‌شود. قرض گیرنده نیز در صورتی که مبلغ وام را جهت تولید استفاده کند، قرض به سرمایه‌گذاری تبدیل می‌شود و در صورتی که قرض از نوع مصرفی باشد، در شرایط کنونی غالباً به منظور خرید کالای بادوام صرف می‌گردد و این به مفهوم افزایش مخارج مصرفی است. بنابراین، قرض از دیدگاه قرض گیرنده، پسانداز از طریق تسویه تعهدات یا پرداخت دیون است. نظر به اینکه موارد قرض معمولاً کالاهای مصرفی بادوام (در قرض

مصرفی) یا کالاهای سرمایه‌ای (در قرض تولیدی) است، پیش‌بینی می‌شود که قرض‌الحسنه موجب افزایش پس‌انداز ملی می‌گردد (کمیجانی و هادوی‌نیا، ۱۳۷۷).

### ۱-۲-۳. تأثیر قرض‌الحسنه بر هزینه‌های تولید

استفاده از قرض‌الحسنه برای تأمین مالی زمانی صورت می‌گیرد که فرد قرض کننده توانایی بازپرداخت سود را ندارد. بنابراین، آنچه در خصوص کاهش هزینه‌های تولید گفته می‌شود، تنها به واحدهای تولیدی کوچک و متوسط که توانایی بازپرداخت سود ندارد یا به افراد کم‌درآمد که قصد راهاندازی واحدهای تولیدی کوچک و متوسط دارند، اختصاص دارد. استفاده از وجود قرض‌الحسنه برای این دسته از تولیدکنندگان به دو صورت بر توزیع درآمد تأثیر می‌گذارد: ۱- با توجه به افزایش قدرت رقابت از نظر سطح تولید و قیمت مفروض و افزایش انعطاف‌پذیری واحدهای تولیدی مذکور، امکان حضور، بقا و تداوم این تولیدکنندگان در اقتصاد افزایش می‌یابد. نظر به اینکه تولیدکنندگان مذکور را عمدتاً طبقات کم‌درآمد تشکیل می‌دهند، با تداوم جریان درآمدی این واحدهای تولیدی توزیع درآمد به تدریج بهبود می‌یابد. ۲- با تثبیت سود فعالیت‌های اقتصادی در بین طبقات با درآمد کم که پیش از آن به صورت نرخ برهه به صاحبان سرمایه‌ها و پس‌اندازها تعلق می‌گرفت، توزیع درآمد در میان افراد کم‌درآمد بهبود می‌یابد.

کاهش هزینه‌ها، تحریک سرمایه‌گذاری و افزایش تولید را به دنبال دارد. در واقع، آن دسته از افرادی که به دلیل عدم دسترسی به منابع مالی، امکان سرمایه‌گذاری و تولید برای آنها مهیا نبود، اکنون با استفاده از منابع قرض‌الحسنه قادر به سرمایه‌گذاری و تولید خواهند بود. در نتیجه، استفاده از قرض‌الحسنه منجر به افزایش سرمایه‌گذاری و در نهایت، منجر به افزایش تولید می‌شود. علاوه بر آن، افزایش سرمایه‌گذاری منجر به استفاده بیشتر از نهادهای تولیدی می‌گردد. به عبارت دیگر، با تأمین سرمایه، زمینه به کارگیری سایر نهاده‌ها، بهویژه نیروی انسانی، فراهم می‌شود (هادوی‌نیا و عرب بافرانی، ۱۳۹۵).

### ۲. پیشینه تجربی

قبل از مرور پیشینه تجربی، ذکر این نکته ضروری است که این تحقیق تسهیلات قرض‌الحسنه را به عنوان بخشی از اعتبارات خرد در نظر گرفته است و با توجه به این موضوع، بخشی از پیشینه تجربی به اعتبارات خرد اختصاص دارد. خلاصه مطالعات خارجی و داخلی در جداول شماره ۱ و ۲ درج شده است.

جدول ۱. خلاصه مطالعات خارجی

نتایج	سطح تحلیل	موضوع اصلی	سال	محقق / محققان
اعتبارات خرد منجر به ایجاد اشتغال می‌شود.	کشور نپال	اعتبارات خرد و اشتغال	۲۰۱۰	پاتاک و جیوالی <sup>۱</sup>
زکات بیکاری را کاهش و تقاضا را افزایش می‌دهد. افزایش تقاضا نیز موجب تشویق سرمایه‌گذاری می‌شود که افزایش فرسته‌های کارآفرینی را به دنبال دارد.	-	زکات و توسعه اقتصادی	۲۰۱۵	دالی و فریکا <sup>۲</sup>
اعتبارات خرد الزاماً منجر به کارآفرینی و ایجاد اشتغال نمی‌شود.	کشور غنا	اعتبارات خرد و اشتغال	۲۰۱۵	کی‌تی و همکاران <sup>۳</sup>
وقف می‌تواند منجر به ایجاد منابع و ابزارهایی همچون بودجه‌های آموزشی، گسترش فرسته‌های اشتغال و فراهم‌سازی ابزارهای مورد نیاز برای فعالیتهای کارآفرینی شود.	کشور مالزی	وقف و توانمندسازی	۲۰۱۶	آمودا و رازاک <sup>۴</sup>
اعتبارات خرد تأثیر مثبت و معنی‌داری بر ایجاد اشتغال دارد.	کشور نیجریه	اعتبارات خرد و اشتغال	۲۰۱۶	اوکافور <sup>۵</sup>
ایجاد اشتغال مهم‌ترین تأثیر واسطه‌گری مالی بانک‌های تأمین‌کننده اعتبارات خرد است.	کشور نیجریه	اعتبارات خرد و اشتغال	۲۰۱۷	آداما و همکاران <sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> Pathak & Gyawali<sup>۲</sup> Daly & Frikha<sup>۳</sup> KT & et al.<sup>۴</sup> Amuda & Razak<sup>۵</sup> Okafor<sup>۶</sup> Adama & et al.

نتایج	سطح تحلیل	موضوع اصلی	سال	محقق / محققان
در کشور مکریک، اخذ اعتبارات موجب افزایش سرمایه‌گذاری و گسترش کسب و کار می‌شود. در کشور مراکش، با دسترسی به اعتبارات فعالیت‌های خوداشتغالی افزایش می‌باید، اما عرضه نیروی کار تغییر نمی‌کند. در کشور اتوبوپی، اخذ اعتبارات تأثیری بر فعالیت‌های غیرکشاورزی ندارد. در هند، دسترسی به اعتبارات به صورت معنی‌داری موجب گسترش کسب و کارهای غیرکشاورزی می‌شود و عرضه نیروی کار را افزایش می‌دهد.	کشورهای منتخب	اعتبارات خرد و اشتغال	۲۰۱۷	چادری <sup>۱</sup>

جدول ۲. خلاصه مطالعات داخلی

نتایج	سطح تحلیل	موضوع اصلی	سال	محقق / محققان
اعتبارات بانک کشاورزی بر اشتغال و سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت دارد.	بخش کشاورزی	اعتبارات بانکی و اشتغال	۱۳۸۳	بحتیاری و پاسبان
اعتبارات خرد نقش مثبتی در افزایش تولید و ایجاد فرصت‌های شغلی دارد.	استان‌های ایران	اعتبارات خرد و اشتغال	۱۳۸۸	زمانی
اشتغال واکنش چندانی در مقابل عرضه اعتبارات بانکی نشان نمی‌دهد.	اقتصاد ملی	اعتبارات بانکی و کسب و کار	۱۳۸۸	طیبی و عباسلو
عملکرد نظام بانکی نسبت به اشتغال زایی در بخش‌های اقتصادی نوسان دارد.	اقتصاد ملی	تسهیلات بانکی و اشتغال	۱۳۸۹	طیبی و همکاران

<sup>1</sup> Chowdhury

نتایج	سطح تحلیل	موضوع اصلی	سال	محقق / محققان
استفاده از تسهیلات در کوتاه‌مدت اشتغال را افزایش می‌دهد و مهم‌ترین عامل ایجاد اشتغال در بلندمدت، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی است.	اقتصاد ملی	عوامل مؤثر بر اشتغال	۱۳۹۲	سعده و موسوی
در رژیم رونق تسهیلات بانکی، موجودی سرمایه، ارزش افزوده و حداقل دستمزد حقیقی سرانه و در رژیم رکود حداقل دستمزد حقیقی سرانه، موجودی سرمایه، ارزش افزوده و تسهیلات بانکی دارای بیشترین تأثیر بر اشتغال هستند.	بخش مسکن	تسهیلات بانکی و اشتغال	۱۳۹۳	اقدامی کویچ
تسهیلات پرداختی منجر به توسعه کشاورزی و همچنین، سبب افزایش اشتغال و تولید بخش کشاورزی شده است.	بخش کشاورزی	تسهیلات بانکی و اشتغال و تولید	۱۳۹۴	رجائی و همکاران
اعطای تسهیلات اعتباری تأثیر معنی‌داری بر اشتغال داشته است.	تعاونی‌های صنعتی	تسهیلات اعتباری و اشتغال	۱۳۹۴	سپهردوست و زمانی شبخانه
تسهیلات مبادله‌ای تأثیر منفی بر نرخ بیکاری دارد و تأثیر تسهیلات مشارکتی و تسهیلات قرض‌الحسنه بر نرخ بیکاری مثبت است.	اقتصاد ملی	عده‌های بانکداری اسلامی و بیکاری	۱۳۹۵	پایتختی اسکویی و عرب‌مازار
قرض‌الحسنه در اشتغال‌زایی (بهویژه برای گروه‌های با درآمد کم) نقش دارد.	-	آثار قرض‌الحسنه	۱۳۹۵	هادوئی‌نیا و عرب‌بافرانی

با مرور مطالعات خارجی و داخلی، مشاهده می‌گردد که بیشتر مطالعات در تحلیل اشتغال بر تسهیلات بانکی و اعتبارات خرد متمرکز هستند. همچنین، مطالعاتی که توجه آنها معطوف به تسهیلات قرض‌الحسنه بوده است، رویکرد نظری دارند. بنابراین و در مجموع، این تحقیق از اولین مطالعات تجربی با موضوع بررسی تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر اشتغال در حوزه کلان محسوب می‌شود.

### ۳. روش تحقیق

#### ۱-۳. ارائه مدل

به منظور بررسی تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر اشتغال در سطح استان‌های ایران با توجه به اینکه عمدۀ متغیرهای تأثیرگذار بر اشتغال: عبارتند از تولید ناخالص ملی، سرمایه فیزیکی و بهره‌وری نیروی کار و از آنجا که تأمین مالی کسب و کارهای خرد از طریق تسهیلات قرض‌الحسنه می‌باشد و همچنین به خاطر اینکه این متغیرها رابطه خطی با سطح اشتغال دارند، لذا از مدل رگرسیونی به صورت زیر استفاده می‌شود:

$$\ln EMP_{it} = \beta_0 + \beta_1 \ln QRZ_{it} + \beta_2 \ln GDP_{it} + \beta_3 \ln CAP_{it} + \beta_4 \ln PRO_{it} + e_t$$

اشغال: داده‌های مربوط به تعداد شاغلان استان‌ها از نتایج طرح‌های آمارگیری از نیروی کار مرکز آمار ایران استخراج شده است.

*QRZ* تسهیلات قرض‌الحسنه: با توجه به عدم انتشار داده‌های مربوط به تسهیلات قرض‌الحسنه در سطح استان‌ها، به پیروی از ابونوری و قاسمی تازه‌آبادی (۱۳۸۶) از ارزش افزوده سایر واسطه‌گری‌های مالی به عنوان جایگزین تسهیلات قرض‌الحسنه استفاده شده و داده‌ها از سال‌نامه‌های آماری مرکز آمار ایران جمع‌آوری گردیده است. علت استفاده از ارزش افزوده سایر واسطه‌گری‌های مالی به عنوان تسهیلات قرض‌الحسنه، محدودیت دسترسی به داده‌های قرض‌الحسنه در سطح استانی بوده است. طبق تعریف بانک مرکزی سایر واسطه‌گری‌های مالی عمدتاً مربوط به صندوق‌های قرض‌الحسنه و تسهیلات مربوطه می‌باشد. به عبارتی، از ارزش افزوده سایر واسطه‌گری‌های مالی به عنوان یک تقریب برای جایگزینی این متغیر به خاطر محدودیت دسترسی به داده‌ها در سطح استانی استفاده شده است.

*GDP* تولید ناخالص داخلی: بر مبنای پیشینه تجربی، تولید ناخالص داخلی یکی از مهم‌ترین متغیرهایی است که بر اشتغال تأثیر می‌گذارد. برای مثال، این متغیر در مطالعات کمیجانی و قوی‌دل (۱۳۸۴)، باصری و روشنی یساقی (۱۳۹۳)، امینی و فرهادی‌کیا (۱۳۹۵)، سهیلی و همکاران (۱۳۹۶) و عزیز‌محمدلو (۱۳۹۷) مورد استفاده قرار گرفته است. داده‌های مربوط به تولید ناخالص داخلی استان‌ها از حساب‌های منطقه‌ای مرکز آمار ایران استخراج شده است.

*CAP* سرمایه فیزیکی: براساس پیشینه تجربی، موجودی سرمایه نیز از جمله عوامل تأثیرگذار بر اشتغال محسوب می‌شود. به عنوان مثال، این متغیر در مطالعات کهزادی و بلالی (۱۳۸۱)، باصری و روشنی یساقی (۱۳۹۳) و شهیازی و فتاحی (۱۳۹۶) به کار رفته است. با توجه به عدم انتشار

داده‌های سرمایه‌فیزیکی در سطح استانی، برای اندازه‌گیری این متغیر از سرمایه‌گذاری کارگاه‌های صنعتی استفاده گردیده و داده‌های مربوطه از نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی مرکز آمار ایران شده است. با توجه به اینکه داده‌های سرمایه‌فیزیکی در سطح استانی منتشر نمی‌شود و سرمایه‌گذاری در بخش صنعت بخش قبل توجهی از مجموع سرمایه‌گذاری در استان‌ها را تشکیل می‌دهد، از سرمایه‌گذاری در بخش صنعت به عنوان یک تقریب برای سرمایه‌فیزیکی استفاده شده است. ضمن اینکه سرمایه‌گذاری در بخش صنعت به عنوان سرمایه‌گذاری مولد شناخته می‌شود و به واسطه ارتباطات پسین و پیشین زیاد بخش صنعت با سایر بخش‌ها، سرمایه‌گذاری در بخش صنعت نسبت به سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌ها توانایی اشتغال‌زایی بیشتری دارد (مرکز آمار ایران، گزارش سال‌های مختلف).

*PRO* بهره‌وری نیروی کار: با توجه به پیشینه تجربی، بهره‌وری نیروی کار نیز اشتغال را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای نمونه، این متغیر در مطالعات پژویان و امینی (۱۳۸۰)، مولایی و آشتیانی (۱۳۹۱) و امینی و فرهادی کیا (۱۳۹۵) لحاظ شده است. بهره‌وری نیروی کار در سطح استان‌ها نیز با نسبت تولید ناخالص داخلی به تعداد شاغلان محاسبه گردیده است.

ذکر این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد که براساس پیشینه تجربی، متغیرهای دیگری نظری دستمزد نیز بر اشتغال تأثیر می‌گذارند که به‌دلیل محدودیت دسترسی به داده‌های لازم در سطح استانی از آنها چشم‌پوشی شده است. با وجود اینکه دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۸ کوتاه است، اما با توجه به اینکه از روش داده‌های تابلویی استفاده شده و تعداد مقاطع ۳۱ استان بوده است، حجم داده‌ها ۱۶۵ سلول داده می‌شود که این تعداد مشاهدات برای تخمین مدل به روش داده‌های تابلویی کفایت می‌کند. در خصوص آزمون ریشه واحد، تنها در داده‌های تابلویی با تعداد سال‌های بیشتر از ۱۰ سال موضوعیت دارد و آزمون ریشه واحد برای داده‌های تابلویی با سری زمانی کمتر از ۱۰ سال انجام نمی‌شود. بنابراین، آزمون هم‌مجموعی هم لزومی ندارد، بالتجهی، (۲۰۰۸). آزمون‌های تشخیصی مدل نیز در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون‌های تشخیصی

نتیجه	احتمال	آماره	آزمون
فرض صفر رد می‌شود	۰,۰۰۰	۲۰۸,۳۹	لیمر
فرض صفر رد می‌شود	۰,۰۰۰	۲۲۴,۲۹	هاسمن
فرض صفر رد می‌شود	۰,۰۰۰	۷,۵۸۶	پسران
فرض صفر رد نمی‌شود	۰,۲۵۷۴	۱,۳۳۳	وولدریج
فرض صفر رد می‌شود	۰,۰۰۰	۱۶۹,۳۹	نسبت درستنمایی

منبع: محاسبات پژوهش

#### ۴. نتایج تحقیق

با توجه به جدول شماره ۳ نتایج آزمون لیمر نشان می‌دهد که استفاده از داده‌های تابلویی برای پژوهش حاضر مناسب است. نتایج آزمون هاسمن دلالت بر ارجحیت مدل اثرات ثابت برای تخمین مدل دارد. همچنین، نتایج آزمون پسaran نشان می‌دهد که در مدل وابستگی مقطعی وجود دارد. نتایج آزمون ولدریچ نیز گویای این است که در مدل همبستگی سریالی وجود ندارد. همین‌طور، نتایج آزمون نسبت درست‌نمایی بیان می‌کند که مدل دارای واریانس ناهمسانی است. همان‌گونه که مشاهده گردید، مدل دارای وابستگی مقطعی و واریانس ناهمسانی است. در این حالت، استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته عملی (FGLS)<sup>۱</sup> پیشنهاد می‌شود. این روش با وجود وابستگی مقطعی و واریانس ناهمسانی برآوردهای کارا و مناسبی به دست می‌دهد. نتایج تخمین مدل به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته عملی در جدول شماره ۴ ارائه شده است. با توجه به آماره  $X^2$  و احتمال آن، مشخص می‌شود که مدل به خوبی برآورد گردیده است. نتایج نشان می‌دهد که: تسهیلات قرض‌الحسنه تأثیر مثبت و معنی‌داری بر اشتغال استان‌های ایران دارد. تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌فیزیکی نیز تأثیر مثبت و معنی‌داری بر اشتغال استان‌های ایران دارد. همچنین، بهره‌وری نیروی کار تأثیر مثبت و معنی‌داری بر اشتغال استان‌های ایران دارد.

جدول ۴. نتایج تخمین مدل

متغیر	ضریب	آماره	احتمال
تسهیلات قرض‌الحسنه	۰,۳۰۸	۲,۶۵	۰,۰۰۸
تولید ناخالص داخلی	۱,۱۶۶	۲,۸۷	۰,۰۰۴
سرمایه‌فیزیکی	۰,۳۲۴	۳,۶۷	۰,۰۰۰
بهره‌وری نیروی کار	۰,۰۶۲	۴,۵۰	۰,۰۰۰
آماره $X^2$	۱۳۲۲,۷۰	احتمال	۰,۰۰۰۰

منبع: محاسبات پژوهش

<sup>1</sup> Feasible Generalized Least Square

### جمع‌بندی

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر تسهیلات قرضالحسنه بر اشتغال در استان‌های ایران به انجام رسیده است. به عبارت دیگر، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش بوده است که: «تسهیلات قرضالحسنه چه تأثیری بر اشتغال استان‌های ایران دارد؟». در راستای دست‌یابی به هدف، از مدل داده‌های تابلویی شامل استان‌های ایران در دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۴ با روش داده‌های تابلویی برای ۳۱ استان کشور استفاده شده است. نتایج و یافته‌های تحقیق حاضر به این صورت خلاصه می‌شود که تسهیلات قرضالحسنه، تولید ناخالص داخلی، سرمایه فیزیکی و بهره‌وری نیروی کار تأثیر مثبت و معنی‌داری بر اشتغال استان‌ها دارد. علاوه بر این، مشاهده می‌شود که بیشترین تأثیر مربوط به تولید ناخالص داخلی و سرمایه فیزیکی است و اشتغال بیشتر از آنکه تابع تسهیلات قرضالحسنه و بهره‌وری نیروی کار باشد، تحت تأثیر شرایط اقتصاد کلان قرار دارد. از آنجا که اثر تسهیلات قرضالحسنه بر اشتغال به عنوان متغیر ثانی گذار بر متغیر هدف که سطح اشتغال در استان‌ها می‌باشد که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است و از آنجاکه این تأثیر مثبت و معنی‌دار بوده است، لذا، با توجه به نتایج، به سیاست‌گذاران پیشنهاد می‌شود که زمینه‌های افزایش اعطای تسهیلات قرضالحسنه را فراهم نمایند. اعطای تسهیلات قرضالحسنه با شرایط ویژه به طرح‌هایی که اشتغال ایجاد می‌کنند، به خوبی می‌تواند به کاهش بیکاری کمک نماید.

## منابع

۱. ابونوری، اسماعیل و قاسمی تازه‌آبادی، افسانه (۱۳۸۶). ارزیابی اثر ارزش افزوده قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد (با استفاده از داده‌های پانل بین استانی)، *اقتصاد اسلامی*، ۷(۲۸)، صص ۱۶۴-۱۳۹.
۲. اقدامی کوچ، پروانه (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر تسهیلات اعطایی بانک‌ها بر سطح اشتغال در بخش مسکن و ساختمان (رویکرد غیرخطی مارکف-سویچینگ)"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
۳. بختیاری، صادق و پاسبان، فاطمه (۱۳۸۳). "نقش اعتبارات بانکی در توسعه فرصت‌های شغلی: مطالعه موردی بانک کشاورزی ایران"، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱۲(۴۶)، صص ۵۰-۷۳.
۴. پایتختی اسکویی، سیدعلی و عرب‌مازار، عباس (۱۳۹۵). "بررسی اثر عقدهای بانکداری اسلامی بر نرخ بیکاری در ایران"، *اقتصاد اسلامی*، ۱۶(۶۱)، صص ۷۷-۶۵.
۵. رجائی، یبدالله؛ خیری، شقایق و سلیمی، محمدباقر (۱۳۹۴). "نقش تسهیلات پرداختی بانک کشاورزی به بنگاه‌های زودبازده (SME) در ایجاد اشتغال و تولید بخش کشاورزی از دیدگاه مشتریان بانک"، *کارآفرینی و کشاورزی*، ۲(۳)، صص ۶۱-۵۱.
۶. زمانی، مظفر (۱۳۸۸). "مطالعه و بررسی نقش اعتبارات خرد در ایجاد فرصت‌های شغلی در کشور"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر.
۷. سپهردوست، حمید و زمانی شبخانه، صابر (۱۳۹۴). "تأثیر انواع تسهیلات اعتباری بر اشتغال تعاونی‌های صنعتی کشور"، *پژوهش‌های اقتصادی*، ۱۵(۱)، صص ۲۱-۱.
۸. سعدی، محمدرضا و موسوی، میرحسین (۱۳۹۲). "بررسی عوامل و سیاست‌های مؤثر بر اشتغال نیروی کار"، *پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی-ایرانی)*، ۱۳(۴۹)، صص ۱۹۸-۱۷۷.
۹. طیبی، سیدکمیل و عباسلو، یاسر (۱۳۸۸). "اعتبارات بانکی و سایر تعیین‌کننده‌های اقتصادی فضای کسب‌وکار در ایران"، *پول و اقتصاد*، ۱، صص ۷۸-۵۷.
۱۰. طیبی، سیدکمیل، ساطعی، مهسا و صمیمی، پریسا (۱۳۸۹). "تأثیر تسهیلات بانکی بر اشتغال‌زایی بخش‌های اقتصادی ایران"، *پول و اقتصاد*، ۴، صص ۳۳-۱.
۱۱. کمیجانی، اکبر و هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۷۷). "درآمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن"، نامه مفید، ۴(۱۴).

۱۲. گریفین، کیت و مک‌کنلی، تری (۱۳۷۷). توسعه انسانی (دیدگاه و راهبرد). ترجمه غلامرضا خواجه‌پور، تهران: وداد.
۱۳. مرکز آمار ایران، گزارش سال‌های مختلف سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۸.
۱۴. هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۷۸). قرضالحسنه و آثار اقتصادی آن تهران: پژوهشگاه اندیشه و فرهنگ اسلامی.
۱۵. هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۸۰). "وراق قرضالحسنه"، اقتصاد اسلامی، ۱(۴)، صص ۸۳-۱۰۴.
۱۶. هادوی‌نیا، علی‌اصغر و عرب بافرانی، بهنام (۱۳۹۵). "بررسی مزایا و آثار اجتماعی و اقتصادی اوراق قرضالحسنه"، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۶، صص ۷-۳۶.
17. Adama, J. U., Duru, I. U. & Diyoke, K. O. (2017). The Role of Microfinance Banks on Employment Generation in the Grassroots: Evidence from Karu Local Government Area of Nasarawa State, Nigeria. *Asian Journal of Economics, Business and Accounting*, 4(2), 1-9.
18. Amuda, Y. J. & Razak, D. A. (2016). Application of Cash Waqf in the Empowerment of Widows in Malaysia. *Journal of Advanced Management Science*, 4(3), 255-259.
19. Baltagi, Badi, (2008), *Econometric Analysis of Panel Data*, Jhon Wiley & Sons.
20. Chowdhury, S. (2017). Microfinance and Rural Non-Farm Employment in Developing Countries. *IZA World of Labor*, 350, 1-9.
21. Daly, S. & Frikha, M. (2015). Islamic Finance, a Support to Development and Economic Growth: The Principle of Zakat as an Example. *Journal of Behavioural Economics, Finance, Entrepreneurship, Accounting and Transport*, 3(1), 1-11.
22. KT, E., Frempong, G., Obirih-Opareh, N. & Rose, O. (2015). Does Microcredit Create Employment for the Poor? The Case of the Microcredit Scheme of Upper Manya Krobo Rural Bank in Ghana. *Business and Economics Journal*, 7(1).
23. Okafor, I. G. (2016). The Impact of Microfinance Banks Activities on Employment Generation in Nigeria. *Imperial Journal of Interdisciplinary Research*, 2(6), 685-692.

- 
24. Pathak, H. P. & Gyawali, M. (2010). Role of Micro-finance in Employment Generation: A Case Study of Microfinance Program of Paschimanchal Grameen Bikash Bank. *The Journal of Nepalese Business Studies*, 7(1), 31-38.

